

اسلحه سرنگونکرد و حکومت عادل درجای او گذاشت که مطابق قانون اساسی رفتار کنند بنده در بالای کرسی خطابه قسم خورده ام و در آنجا کلمه امنیت ندارد می نویسد مادام که حقوق مجلس و مجلسیان مطابق قانون اساسی محفوظ و مجری است ...

آقا سید یعقوب - ملت ایران امنیت می خواهد .

سیدیهان میرزا - هر زمان که برخلاف قانون اساسی رفتار شود باید مقاومت کرد چون ایشان از قضیه خارج شدند بنده هم مجبور شدم از موضوع خارج بشوم حالا اگر نظامنامه داخلی تغییر کند بنده بهمان نظری که آقای مدرس به آقای سهام السلطان فرمودند مخالفت نخواهم کرد که فقط در صورت مجلس فایب بدون اجازه نوشته شود لکن مخالفت بنده در این است که کسی که کار نمی کند نباید اجرت بگیرد این مسئله هم از راه شرع و هم از راه قوانین هادی پسندیده و ممدوح است کسی که زحمت نمی کشد از بیت المال مسلمین و خزانه دولت نباید حقوق بگیرد و حال هر کس موافق است عقیده اش آزاد است و می تواند باینده مخالفت نماید

رئیس - آقای آقا میرزا هاشم آشتیانی

(اجازه)

آقا میرزا هاشم آشتیانی - بنده در اصل موضوع عرض دارم ولی راجع به فرمایش شاهزاده عرض می کنم اگر بنا شود پیشنهاد شاهزاده سلیمان میرزا قبول شود آنوقت هیچ فرقی مابین غایب با اجازه و غایب بدون اجازه

باقی نخواهد بود این مسئله را راجع به بهودم عرض می کنم اگر بنده بدانم در صورتی که اجازه بگیریم یا نگیریم در هر دو حال حقوق نخواهم گرفت البته بدون اجازه بروم و اجازه نخواهم گرفت و این مسئله رفته رفته اسباب اختلال و بی نظمی مجلس می شود و یک وقت مقام ریاست اعلام خواهد کرد که مجلس از اکثریت افتاد بنابراین این ماده را از روی یت حکمت و فلسفه معین کرده اند که هر کس بخواهد مسافرت نماید بایستی اجازه بگیرد و با اجازه حرکت کند چنانچه در همین قانون استفاده می شود که سایر آقایان وضع کرده اند خودشان برای امضاء ادارات حتی منتظرین خدمت حق مرخصی وغیره با استفاده از حقوق تامین شده اند حال آیا یک و کیلی که دو سال در مجلس خدمت می کنند حق ندارد یک مدت قلبی مرخصی بگیرد

رئیس - رای می گیریم به راپورت کمیسیون مرخصی بیست و نهمه آقای سهام السلطان را تصویب نموده است آقایانی که

راپورت کمیسیون را تصویب می کند قیام بفرمایند (اکثر نمایندگان قیام نمودند) رئیس - تصویب شد . جلسه آتیه روز پنجشنبه چهار ساعت قبل از ظهر دستور بقیه شور در قانون استخدام خواهد بود

(مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)

جلسه ۱۱۷

صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه بیست و چهارم شهر ذی قعدة ۱۳۴۰

مطابق بیست و نهم سرطان ۱۳۰۱ مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای موتمن الملك تشکیل گردید صورت مجلس یوم یکشنبه بیست و پنجم سرطان را آقای امیر ناصر قرائت نمودند رئیس - گویا بصورت مجلس ایرادی نباشد (اظهاری نشد)

رئیس - صورت جلسه تصویب شد چند فقره لوابیح از طرف دولت رسیده است که عرض میکنم یکی لایحه امتیاز احداث کارخانه چراغ برق در همدان دیگر تقاضای تجدید کترات چند نفر معلم برای برای مدرسه حقوق یک فقره هم تقاضای چهارده هزار و صد و هفتاد و دویزه کاغذی برای تعمیر سفارتخانه اسلامبول ارجاع می شود بکمیسیونهای مربوطه کسری کمیسیون هارا که بنا بود انتخاب بفرمایند چند نفر انتخاب شده اند بقیه راهم امروز باید انتخاب بفرمایند کمیسیون خارجه سه نفر کسر داشت دو نفر آقایان نصرت الدوله و حاج مخبر - السلطنه انتخاب شده اند یک نفر دیگر باید امروز انتخاب شود بکمیسیون معارف دو نفر کسر داشت آقای حاج میرزا عبدالوهاب انتخاب شده اند یک نفر دیگر کسر است کمیسیون مالیه سه نفر کسر داشت آقای معتمدالتجار انتخاب شده اند دو نفر دیگر کسر است کمیسیون عدلیه چهار نفر دو نفر آقایان سالار معظم و حاج شیخ محمد حسن گروسی انتخاب شده اند دو نفر دیگر باقی است کمیسیون داخله چهار نفر کسر داشت هر چهار نفر انتخاب شده اند کمیسیون تجدید نظر در قانون انتخابات سه عضو کسر - داشته است دو نفر آقایان نصرت الدوله و محمد هاشم مرزا انتخاب شده اند یک نفر دیگر هم باید انتخاب شود

حاج میرزا عبدالوهاب - برای کمیسیون فوائد عامه و یست و تلگراف گویا هیچ معین نشده است چون اسمی از آنها برده نشد

رئیس - بلی صحیح است کمیسیون فوائد عامه هم دو نفر کسر داشت که هیچ انتخاب نشده است و باید انتخاب شود در موقع تنفس صورت کسری اعضاء کمیسیون

ها اعلام می شود و از روی آن انتخاب می فرمایند . آقای سلطان العلماء (اجازه) سلطان العلماء - در چند روز قبل حضور مبارک عرضه داشتم بواسطه یارمه محظورات از عضویت کمیسیون قوانین مالیه معذور و مستعفی هستم گویا فراموش شده است چون کمیسیون قوانین مالیه پس از استعفای بنده چهار نفر کسر دارد و حضرت آقای رئیس فرمودند سه نفر یک نفر دیگر هم باید انتخاب شود

رئیس - عرض کردم در موقع تنفس عده ای لازم است انتخاب شوند اعلام خواهد شد آقای دولت آبادی (اجازه)

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی بنده هم همین مطالب را می خواستم عرض کنم رئیس - آقای ارباب کیخسرو بواسطه کسالت مزاجی که داشتند مجدداً مسافرت نمودند و از بیستم برج سرطان تقاضای یکماه مرخصی کرده اند کمیسیون هم تصویب کردند باید رای گرفته شود آقایانیکه مرخصی ایشان را تصویب می کنند قیام فرمایند

(اکثریت نمایندگان قیام نمودند) رئیس - تصویب شد قانون استخدام مطرح است ماده بیست و دوم از فصل سوم قرائت می شود

ماده بیست و دوم - برای رسیدگی به تقصیرات اداری و تعیین مجازات مستخدمین مجلس تحقیق و معاکمه اداری از روسای اولیه و زارتخانه متبوعه بریاست وزیر یا معاون او تشکیل خواهد شد رئیس - آقای آقا سید فاضل (اجازه)

آقا سید فاضل - بنده نسل سوم را مطالعه کرده ام بهیچوجه حق استیفاء بهجت محکوم علیه منظور نشده و بعقیده بنده یک ظلمی بر محکوم علیه شده است زیرا بسا هست شخصی در محکمه ابتدائی بیک وساطتی محکوم می شود در صورتی که ممکن است اسناد و دلایل صحیح در دست داشته باشد و در استیفاء محکوم له شود و بنده این قانون را باین ترتیب ناقص می دانم بنده در خارج به آقایان اعضاء کمیسیون هم صحبت کرده ام و آقایان عقیده شان این است که شورای دولتی برای مستخدمین دولت بمنزله محکمه استیفاء است ولی بعقیده بنده این کافی نیست و باید استیئافی و حق استیئاف جهت مستخدمین منظور شود

رئیس - البته تصدیق خواهند فرمود که این مسئله مربوط بماده بیست و دوم نبود آقای سید فاضل - راجع به فصل سوم

بود .

رئیس - آقای رکن الملك مغالیده؟ رکن الملك - بلی رئیس - عماد السلطنه خراسانی (اجازه) عماد السلطنه - عرضی ندارم رئیس آقای حاج میرزا عبدالوهاب موافقید یا مخالف؟

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده هم موافقم و هم مخالف و یک سوالی از آقای مخبر دارم که آیا این قانون شامل حال وزیر و معاون هم می شود یا خیر و برای آنها هم معاکمه هست یا نه؟

آقا شیخ ابراهیم بجزانی مخبر کمیسیون البته قانون اساسی را خوانده اید معاکمه وزراء یا دیوان عالی تیز است رئیس - آقای رکن الملك (اجازه)

رکن الملك - در این ماده تصریح نشده که این معاکمه شامل حال مستخدمین ایالات و ولایات هم هست یا خیر ؟ و چون نوشته است مجلس معاکمه بریاست وزیر یا معاون تشکیل میشود معلوم می شود که فقط اختصاصی به پایتخت دارد مخبر - البته اشخاصی که باید معاکمه شوند از ایالات و ولایات هم رکن جلب و در اینجا معاکمه می شوند رئیس - آقای نصرت الدوله (اجازه)

نصرت الدوله - در این ماده عبارت (تصیر اداری) مبهم است و ممکن است در موقع عمل تولید زحمت کند زیرا معلوم نشده که مقصود از این تقصیرات اداری کدام و چه قسم از تقصیرات است زیرا بعضی تقصیرات اداری است که ممکن است طرف آنها اشخاصی باشند که در خارج هستند و این قبیل تقصیرات اداری و دعاوی که طرف آنها اشخاص خارجی هستند بمعاکمه اداری نباید رجوع شود . این یک مطلب .

مطلب دیگری که می خواستم عرض کنم راجع باظهاری است که آقای رکن الملك نمودند و جواب آقای مخبر منتهی نبود در موقعی که آقای آقا سید فاضل در کمیسیون تشریف آوردند و راجع باستیئاف اظهاراتی فرمودند بنده خودم در کمیسیون با حضور حضور داشتم آقایان مذاکره شد که یک موادی راجع بتقصیرات اداری و تشخیص باینکه در ولایات بجهت ترتیب مستخدمین معاکمه شود و تعیین شوند قرار شد مجدداً آقایانی که راجع باین ماده اعتراض دارند بکمیسیون حاضر شوند و بجهت تکمیل این ماده مذاکراتی بعمل آید که برای شور ثانی این ماده بطور کامل بمجلس آمده مطرح شود . باینجهت حالا بنده پیش از این عرض نمی کنم .

مخبر - اگر بنا شود ترتیب معاکمه و تقصیرات اداری و مجازات ها و مکافات ها ذکر شود از تمام این قانون بیشتر خواهد

شد . بنده این قانون را که پیشنهاد کردم يك فصل راجع بترتیب محاکمه و مجازات و مکافات در آن بود که کدام تقصیر بمجازات و کدام خدمت همکافات و پاداشی خواهد داشت ولی پس از آنکه دولت پیشنهاد بنده را بجهت مطالعات بردنمی دانم ازجه نقطه نظر محاکمات اداری را محول بشورای اداری کرد .

بنده در درجه مجازات در این قانون ذکر کرده بودم حالاهم اگر آقایان موافق باشند مجدداً آن فصل را ضمیمه کرده و مطرح مذاکره قرار دهند و ممکن است راجع بمحاکمات مستخدمین ولایات و ایالات هم یک ماده ضمیمه نمود که بجه ترتیب یا در ایالات یا در مرکز محاکمه شوند .

راجع بتقصیرات اداری هم البته بخوبی معلوم است که تقصیرات اداری غیر از تقصیرات حقوقی است و فرقی بین آنها بقدری روشن است که لازم بتوضیح نیست مثلاً کسی کاغذی را بدو نوشته باشد یا در اداره حاضر شده باشد خیلی فرقی دارد با کسی که تقصیر حقوقی کرده باشد و تقصیرات اداری در محکمه اداری محاکمه می شود و تقصیرات حقوقی رئیس آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

آقا سید یعقوب - در اینجا که نوشته شده است رسیدگی بتقصیرات اداری و تعیین مجازات را تقهیدم زیرا محکمه اداری حق تعیین مجازات ندارد حق اجرای مجازات را دارد .

تعیین مجازات بایستی مطابق قانون علیحده معین شود و برای هر فصل خطائی مجازاتی معین شود و محکمه اداری حق اجرا کردن مجازات را ندارد نه تعیین مجازات را قانون مجازات را قوه مقننه بایستی بنویسد و محکمه اداری بایستی تقصیر را مطابقه بامواد آن قانون کرده و مجازات را معمول و مجری دارد بنابراین بنده با اینکه محکمه مجازات را معلوم کند مخالفم .

مخبر - قانون تعیین مجازات های کلی حقوقی را می کند که فلان تقصیر فلان مجازات را دارد مثلاً از سه ماه تا شش ماه حبس برای فلان تقصیر معین میکنند ولی محکمه اداری باید مجازات تقصیرهای اداری را معین کند مثلاً سنجید که تقصیر فلان مستخدم چه درجه مجازات لازم دارد و اجرای مجازات هم بامحکمه اداری نیست محکمه فقط تعیین مجازات را میکند .

رئیس - آقای سلطان العلماء (اجازه) سلطان العلماء عرض بنده در ضمن فرمایشات آقایان گفته شد .

رئیس - آقای عبدالسلطنه خراسانی (اجازه) عبدالسلطنه - آقای مخبر در جواب آقای رکن الملک اظهار داشتند مقصود

ولایات باید بر مرکز جلب و در این جا محاکمه شوند . بنده هیچ فلسفه برای این مسئله نمی بینم و عقیده ام بر این است که محاکمه مستخدمین مقصر در محل باشد منتهی ممکن است آنرا محاکمه بدوی قرار دادوا گراستیناف لازم شد در مرکز استیناف بدهند والا اگر از برای هر وزیر جزئی تقصیر از ثبات یا منشی و غیره آنها را بر مرکز جلب کنند اسباب زحمت می شود و این ترتیب خوب نیست .

مخبر - بلی مستخدمین جزء مثل منشی و ثبات و امثال اینها را روسای اداری ایالات و ولایات می توانند در محل محاکمه کنند و این در صورتی است که اجزاء محاکمه در ایالات و ولایات بجهت مقصر باشد باین معنی که شخص مقصر چند نفر اجزاء مافوق در آن محل داشته باشد که بتوانند او را محاکمه کنند زیرا اشخاص مادون نمی توانند شخص مافوق را محاکمه نمایند ولی روسای ادارات بایستی بر مرکز جلب و در اینجا محاکمه شوند زیرا محاکمه کننده باید مقامش مافوق یا لاقابل مطابق محاکمه شونده باشد و نظر کسیون هم بر این است که برای محاکمه در درجه قائل شویم یکی بجهت مستخدمین جزء یکی بجهت روساء

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - طریقه محاکمه و مجازات را که این قانون معین کرده و تمام محاکمات و رسیدگی را معمول به يك جلسه محاکمه مجلس مشاوره اداری کرده است بنده هیچ فلسفه برای آن نمی بینم زیرا تقصیرات دارای يك درجات مختلفی هستند . بعضی تقصیرات هست که باید در خود اداره محاکمه و رسیدگی شود از آن که بالاتر رفت و اهمیت تقصیر زیاد تر شد باید در مجلس مشاوره اداری محاکمه شوند چنانچه آقایان می فرمایند مثلاً يك مستخدمی در فارس یا آذربایجان مرتکب تقصیر جزئی شده اگر بخواهند برای آن تقصیر جزئی شخص مقصر را بر مرکز جلب و تمام روسای وزارتخانه جمع شده و بآن تقصیر رسیدگی نمایند و مجازات آنرا معین کنند آنوقت تمام وقت روسا باید صرف همین کار شود زیرا روزی نیست که از يك ولایت یا ایالات یا خود مرکز شکایتی از مستخدمین به وزارتخانه برسد و اگر بخواهند باین ترتیب رفتار کنند دیگر هیچ کاری نمیرسند و فقط باید بنشینند و رسیدگی بشکایات بنمایند بنابراین بعقیده بنده در هر وزارتخانه و اداره يك دایره تحقیقات مقدماتی باید تاسیس شود که ابتدا در آنجا بشکایات رسیدگی شود اگر تقصیر ثابت شد یا نشد را بپورت جامع الاطراف بمقامات عالی تر که همان شورای عالی اداری است می دهد که اسباب

اتلاف وقت رؤسا هم نشود و دیگر این که این مسئله که نوشته شده است تقصیرات جزئی را روسای مافوق حق دارند بدون محاکمه در درجه اول بدون درج در ورقه خدمت و در درجه دوم با درج در ورقه خدمت اظهار کتبی نمایند بعقیده بنده این صحیح نیست و باید برای این تقصیرات جزئی هم در همان محکمه ابتدائی محاکمه بعمل آید و پس از ثبوت بشخص مقصر اظهار شود بوجهت بنده عقیده ندارم که از ابتدا کلیه محاکمات بشورای عالی اداری احاله شود چون اسباب اتلاف وقت روسا می شود

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه) سلیمان میرزا - اشکالاتی که آقایان می فرمایند آنچه بنده استنباط کرده ام باین ازا این دو قسمت نیست یکی راجع باستیناف یکی راجع برسیدگی و تعیین مجازات و در ضمن گفتگوی این هم هست که مستخدمین ولایات و ایالات که مرتکب تقصیری میشوند در مرکز محاکمه شوند نه در محل و در حقیقت اظهارات آقایان مخالفین من حیث المجموع بیش از این سه قسمت نیست اما راجع به رسیدگی بتقصیرات و تعیین مجازات که بیسیون در نظر دارد يك ترتیبی برای مجازات معین کند البته لازم بشکرات نیست بکنست تقصیرات مجازاتش در قانون عمومی مجازات معین است اگر جنبه جزائی داشته باشد چنانچه از مواد مقدم هست بعقیده مراجعه می شود و راجع بتقصیرات اداری هم کسیون در نظر دارد ترتیبی برای آن برقرار دهد راجع به استیناف هم کمیسیون در نظر دارد که يك محکمه رای استیناف قرار بدهد زیرا اگر شورای دولتی بود مرجع استیناف معلوم بود ولی تاشورای دولتی نیست کجا باید استیناف داده شود هنوز مجلس معلوم نشده و کسیون مشغول مذاکره است و از حضرت آقای رئیس و آقای نصرت الدوله هم تقاضا شده که چند جلسه در کمیسیون حاضر شوند و هر کدام از آقایان هم لطف فرموده تشریف بیاورند کمال امتنان حاصل است که با حضور آقایان مذاکرات بعمل آمده و ترتیب صحیحی بجهت این مسئله داده شود ولی راجع باینکه مستخدمین مقصر از ایالات و ولایات بر مرکز جلب شوند در این خصوص مذاکره از منشی و ثبات نبود ما تقصیرات را در نظر گرفتیم چنانچه در ماده ۲۵ هم ملاحظه می فرمائید بعضی تقصیرات اداری است که مجازات آن اظهار کتبی است و البته تقصیری که مجازاتش اظهار باشد محتاج بمحاکمه نیست و این حق را بر رئیس اداره داده اند که اگر مثلاً مستخدمی سه مرتبه غیبت کرد ابتدا باو اظهار می کنند که پس از این غیبت نکنند و سرفوت حاضر شوند باز اگر غیبت کرد بطوری که در این ماده ذکر شده مجدداً باو اظهار می کنند و این مسئله دیگر محاکمه

لازم ندارد و در ایالات و ولایات هم رؤسای اداری می توانند این مجازات را مجری دارند ولی از قسمت سوم ببعد که کسر حقوق و انفصال موقت و تنزل مقام و غیره باشد اینها را ما يك مجازاتی داشتیم که تقصیر اشخاص که این مجازاتها درباره آنها اعمال می شود يك تقصیراتی است که باید در مرکز محاکمه شده و گمان نمی کنم اکثریت مجلس هم عقیده داشته باشند این مسائل در ایالات و ولایات رسیدگی و محاکمه و مجازات برای مقصرین معین شود و البته تا مستخدم مرتکب تقصیر قابل اهمیتی نشود او را از خدمات دولتی محروم نمی کنند زیرا محروم ماندن اشخاص از حقوق خواه ثبات باشد خواه منشی برای آنها در حکم اعدام است پس این حق را نمی توان بر رئیس یا معاون اداره دانست علاوه بر ماده ۲۲ هم نوشته شده است برای رسیدگی بتقصیرات اداری و تعیین مجازات مستخدمین مجلس تحقیق و محاکمه اداری از رؤسای اولیه وزارتخانه متبوعه بریاست وزیر یا معاون او تشکیل خواهد شد و رؤسای اولیه ادارات در ولایات نخواهند بود و چون تقصیر هم خیلی مهم است و مجازات آن انفصال دائمی از آن وزارتخانه یا تمام وزارتخانه ها است باینجهت باید بر مرکز بیاید که بهتر رسیدگی نمایند و اگر آقایان نظریات دیگری دارند ممکن است پیشنهاد بفرمایند و بعد هم لطف فرمودند در کمیسیون تشریف بیاورند توضیحات بدهند و وقت مجلس را بیش از این تلف نکنند

رئیس - آقای کازرانی (اجازه)

آقا میرزا علی کازرانی - حضرت والامی فرمایند که ثبات و غیره را در نظر نداشتیم در صورتی که قانون باید شامل نظر مجلس معلوم نشده و کسیون مشغول مذاکره است و از حضرت آقای رئیس و آقای نصرت الدوله هم تقاضا شده که چند جلسه در کمیسیون حاضر شوند و هر کدام از آقایان هم لطف فرموده تشریف بیاورند کمال امتنان حاصل است که با حضور آقایان مذاکرات بعمل آمده و ترتیب صحیحی بجهت این مسئله داده شود ولی راجع باینکه مستخدمین مقصر از ایالات و ولایات بر مرکز جلب شوند در این خصوص مذاکره از منشی و ثبات نبود ما تقصیرات را در نظر گرفتیم چنانچه در ماده ۲۵ هم ملاحظه می فرمائید بعضی تقصیرات اداری است که مجازات آن اظهار کتبی است و البته تقصیری که مجازاتش اظهار باشد محتاج بمحاکمه نیست و این حق را بر رئیس اداره داده اند که اگر مثلاً مستخدمی سه مرتبه غیبت کرد ابتدا باو اظهار می کنند که پس از این غیبت نکنند و سرفوت حاضر شوند باز اگر غیبت کرد بطوری که در این ماده ذکر شده مجدداً باو اظهار می کنند و این مسئله دیگر محاکمه

می کنند پس از آنکه محاکمه کردند معلوم می شود مجازاتش چیست اگر دیدند مجازات او انفصال است آنوقت برای اینکه بهتر رسیدگی نمایند ممکن است رجوع بر مرکز نمایند والا اگر از اول تقصیر و مجازات معلوم باشد از برای یک چیز واضح و معلوم يك هیئتی تشکیل دادن و محاکمه کردن لازم نیست بنا بر این اگر يك نفر مستخدم در اقصای بلاد ایران تقصیری کرده باشد و قبلاً او را برای محاکمه بر مرکز احضار نمایند ممکن است بالاخره تیره شود و اسباب زحمت فراهم شده باشد و بعقیده بنده این طریقه عملی نیست پس باید نظریه اتخاذ کرد که اجزاء ایالات و ولایات در همان محل خودشان محاکمه شوند و برای استیناف از حکم صادره آن محل بتوانند بر مرکز رجوع نمایند در هر صورت بنده عقیده دارم که رؤسای دوائر و ادارات باید تا اندازه نسبت باجاء خود تسلط داشته باشند که اسباب اختلال امور پیش نیاید

رئیس - در ماده ۲۲ آقایان مذاکرات را کافی می دانند (جمعی گفتند کافی است)

رئیس - پیشنهادها قرائت می شود (۷ فقره پیشنهاد بهضامین ذیل قرائت شد)

پیشنهادی کنم در آخر ماده ۲۲ نوشته شود ودر ایالات از رؤسای اولیه ادارات بریاست والی یا معاون . مدرس مقام محترم ریاست بنده پیشنهاد می کنم در ماده ۲۲ اینطور نوشته شده (تعیین درجه مجازات) یعقوب - الموسوی

بنده پیشنهاد می کنم در ذیل ماده ۲۲ این جمله اضافه شود (ودر ایالات و ولایات مجلس تحقیق از رؤسای کلیه ادارات بریاست رئیس اداره متبوعه تشکیل خواهد شد) ابراهیم قمی

بنده پیشنهاد می کنم محاکمات ادارات در ولایات با حضور تمام رؤسای ادارات دولتی در خود ولایات باشد .

عبدالوهاب الرضوی برای تکمیل ماده ۲۲ شرح قبل را پیشنهاد می نماید رسیدگی بتقصیرات مستخدمین ادارات در ایالات و ولایات در خود محل بعمل می آید و اعضاء محکمه اداری مرکب خواهند بود از رئیس مافوق شخص مقصر و رؤسای باقی ادارات و چنانچه مقصر از حکم صادره اعتراض نداشته باشد می تواند از وزارتخانه خود تقاضای تجدید نظر نماید . عبدالسلطنه خراسانی معاون وزیر در صورتی که مستخدم رسمی نیست چه قسم ممکن است در محکمه که برای مستخدم رسمی تشکیل می شود ریاست داشته باشد این است که بنده پیشنهاد می نمایم لفظ معاون در ماده ۲۲

حذف شود . سیدالمعتقین حائری زاده پیشنهاد می کند که تبصره ذیل ضمیمه ماده ۲۲ شود تبصره - کسانی که بموجب فرمان سلطنتی شاغل کرسی خدمت دولت شده در مرکز محاکمه می شود ولی سایر مستخدمین را رئیس مافوق در حضور چهار نفر اشخاص هم درجه محاکمه خواهند شد

رئیس - ماده ۲۳ قرائت می شود (بهضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۲۳ - رئیس اداره که متشکی عنه رئیس یا جزء آن اداره است جزء هیئت مجلس تحقیق و محاکمه اداری نمی تواند باشد ولی برای دادن توضیحات دعوت می شود

رئیس - اقبال السلطان (اجازه) اقبال السلطان - مقصود از این ماده این است که اگر رئیس یا یکی از اعضاء اداره طرف شکایت واقع شود رئیس آن اداره در هیئت حاکمه نمی تواند عضویت صریحاً نمایند تا آنجا که یکی از اعضاء اداره طرف شکایت واقع شود و مقصر شد چرا رئیس آن اداره حق ندارد در هیئت حاکمه حاضر باشد تا بتواند از اعضاء خود دفاع نماید

مخبر - چون رئیس آن اداره است ممکن است درباره آن شخص اعمال مغرض نمایند یا از او طرفداری بکنند حق رأی باو داده نشده اما برای توضیح دادن دعوت می شود لکن حق رأی ندارد و این ترتیب برای محاکمه بهتر است

رئیس - ماده ۲۴ قرائت می شود (بهضمون ذیل قرائت شد)

ماده ۲۴ - مجازاتهای اداری بقرار ذیل است ۱ - اظهار کتبی بدون درج در ورقه خدمت ۲ - توضیح کتبی با درج در ورقه ۳ - کسر حقوق ماهیانه تا يك ثلث از یکماه تا ۶ ماه ۴ - انفصال موقت از سه ماه تا يك سال ۵ - تنزیل مقام از یکدرجه ۶ - انفصال دائم از وزارتخانه ذی مدخل ۷ - انفصال دائم از خدمات دولتی

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه) حائری زاده - بنده این مجازاتها را کم می دانم برای اینکه آخرین درجه مجازات انفصال دائمی است و این مجازات بسیار کم است برای اینکه فلان مأمور را مال ملکیت را غارت کرد یا فلان فرمان فرمای ایالت بعد از آنکه بیکمده زیادی را

حذف شود . سیدالمعتقین حائری زاده پیشنهاد می کند که تبصره ذیل ضمیمه ماده ۲۲ شود تبصره - کسانی که بموجب فرمان سلطنتی شاغل کرسی خدمت دولت شده در مرکز محاکمه می شود ولی سایر مستخدمین را رئیس مافوق در حضور چهار نفر اشخاص هم درجه محاکمه خواهند شد

رئیس - آقای کازرانی (اجازه)

آقا میرزا علی کازرانی - این قانونی تشخیص مراتب تقصیر را بنظر می آید اعضاء هیئت حاکمه محاکمه می کنند در صورتی که مسلم است نظریات اشخاص يك تغییرات و تبدیلاتی پیدا میکنند و احساسات شخص اغلب اوقات در حکومت کردن دخالت دارد باینجهت بنده لازم می دانم حالاً که مراتب مجازات در اینجا معین شده است مراتب تقصیر هم معین شود که از چه قرار است و اگر غیر از این باشد ممکن است درباره بکنند مستخدم مقصر احکام مخصوصی شود و در باره دیگری هم حکم دیگری می نمایند علاوه لازم است مستخدم بداند که در مقابل این تقصیر چه مجازاتی دارد و در این قانون مجازات معین شده است در حالی که تقصیر معلوم نیست از اینجهت بنده لازم می دانم تقصیرات هم ذکر شود

مخبر - عرض کردم این مواد برای محاکمه کافی نیست اگر چنانچه ماده در نظر دارم بنده عرض می کنم که بنده ماده هم کافی نیست و باید ترتیب محاکمه و تقصیرات همه در نظام نامه اداری معین شود که کجا تو بیخ شفاهی و کجا تو بیخ کتبی باید بکنند و کجا کسر حقوق باید بشود علاوه شاید يك مجازاتی بیست طریق تقصیر داشته باشد یعنی بعضی مجازاتها هست که در مقابل چندین تقصیر داده می شود مثل این که فلان مستخدم در وسیله قلم برده باشد یا حقوق دیگری را پایمال کرده باشد یا کاغذ ساخته باشد اگر آقایان مایلند تمام اینها در اینجا ذکر شود باید يك فصلی همانطور که بنده پیشنهاد کرده بودم باین فصل ملحق نمایند که تمام تقصیرات در آنجا ذکر شود و همچنین طریقه سؤال و جواب و احضار تمام اینها در آن فصل الحاقیه ذکر شود اگر آقایان مایلند يك فصلی باین ماده ضمیمه شود خوب است پیشنهاد بفرمایند و الا

بی خانمان کرد تازه او را محکوم بانفصال دائمی از خدمات دولتی می نمایند آنوقت او هم اموالی را که غارت کرده است می برد خانه اش می نشیند و زندگانی می نماید پس عقیده بنده این است که مجازات بالا تراز اینها باشد یعنی علاوه بر جبران خسارات وارده و انفصال دائمی مجاراتی هم داشته باشند و این مجازات که در این قانون نوشته شده است کافی نیست

مخبر - آقای حائری زاده گویا اشتباه کرده اند این مجازات از برای تقصیرات اداری است ولی اگر کسی محاکمه حقوقی داشته باشد او در محکمه عدلیه رسیدگی می شود و اگر محکوم شد باینکه وجوهی برده است تا آخرین دینارش از او گرفته می شود پس قسمت حقوقی محاکمه اش راجع باینجا نیست

رئیس - آقای کازرانی (اجازه) آقا میرزا علی کازرانی - این قانونی تشخیص مراتب تقصیر را بنظر می آید اعضاء هیئت حاکمه محاکمه می کنند در صورتی که مسلم است نظریات اشخاص يك تغییرات و تبدیلاتی پیدا میکنند و احساسات شخص اغلب اوقات در حکومت کردن دخالت دارد باینجهت بنده لازم می دانم حالاً که مراتب مجازات در اینجا معین شده است مراتب تقصیر هم معین شود که از چه قرار است و اگر غیر از این باشد ممکن است درباره بکنند مستخدم مقصر احکام مخصوصی شود و در باره دیگری هم حکم دیگری می نمایند علاوه لازم است مستخدم بداند که در مقابل این تقصیر چه مجازاتی دارد و در این قانون مجازات معین شده است در حالی که تقصیر معلوم نیست از اینجهت بنده لازم می دانم تقصیرات هم ذکر شود

مخبر - عرض کردم این مواد برای محاکمه کافی نیست اگر چنانچه ماده در نظر دارم بنده عرض می کنم که بنده ماده هم کافی نیست و باید ترتیب محاکمه و تقصیرات همه در نظام نامه اداری معین شود که کجا تو بیخ شفاهی و کجا تو بیخ کتبی باید بکنند و کجا کسر حقوق باید بشود علاوه شاید يك مجازاتی بیست طریق تقصیر داشته باشد یعنی بعضی مجازاتها هست که در مقابل چندین تقصیر داده می شود مثل این که فلان مستخدم در وسیله قلم برده باشد یا حقوق دیگری را پایمال کرده باشد یا کاغذ ساخته باشد اگر آقایان مایلند تمام اینها در اینجا ذکر شود باید يك فصلی همانطور که بنده پیشنهاد کرده بودم باین فصل ملحق نمایند که تمام تقصیرات در آنجا ذکر شود و همچنین طریقه سؤال و جواب و احضار تمام اینها در آن فصل الحاقیه ذکر شود اگر آقایان مایلند يك فصلی باین ماده ضمیمه شود خوب است پیشنهاد بفرمایند و الا

بش رای دولتی یا نظامنامه وزارتخانه ها رجوع می شود رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی (اجازه) حاج میرزا علی محمد - بنده از اشخاصی هستم که لازم می دانم در اینجا مراتب تقصیر ذکر شود و اگر ذکر نشود يك ضرر و خسارتی بر مردم وارد خواهد آمد و در این قانون هم تعیین مجازات و هم تشخیص تقصیر را به هیئت حاکمه واگذار کرده است آقای مخبر در ماده هفدهم رعایت اقوی را نسبت به اضعف نمودند در اینجا بنده باشان تذکر می دهم اگر بنا باشد رعایت اقوی و اضعف را بشاید باید در ابتدا بطور معین نوشته شود که اگر يك مستخدمی دو روز غیبت کرد فلان مجازات را دارد و آنوقت اگر رئیس اداره باشد همان مجازات را داشته باشد و اگر مستخدم جزء هم باشد همینطور منظور می شود تفاوت بین روساء و مرتوسین گذاشت باینجهت بنده مقدم در اینجا درجات تقصیر را بنویسد که اگر يك روز غیبت کرد فلان مجازات و اگر کاغذ ساخته فلان مجازات و اگر فلان تقصیر را کرده فلان مجازات را دارد دیگر این که در این جا مذاکره شد که اگر تقصیرات حقوقی باشد یعنی غارتگری باشد بمعناکم عادی رجوع می شود در این صورت تقصیراتی دو جنبه حقوقی دارد بمعناکم حقوقی رجوع می شود یا تقصیرات اداری که در اداره محاکمه می شود باید معین شود تا فرقی ما بین اعضاء عالی و دانی رئیس - آقای حاج میرزا عبد الوهاب (اجازه) حاج میرزا عبدالوهاب بنده مخالفم رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله حاج شیخ اسدالله - بنده موافقم رئیس - بنده

می شود چرا در قانون تصدیقات را معین نکرده اند یا فلان ترتیب را معین نکرده اند ؟

بنده عرض می کنم در هر اداره نظام - نامه اداری باید وظایف مستخدمین را از ثبات و منشی سوم تا برسد بوزیر معین کند آنوقت هر کدام از آنها برخلاف وظیفه رفتار کردند

البته تصدیق کرده اند و مجازات هم در این قانون معین است آنوقت تطبیق این تصدیقات با مجازاتهایی که اینجا نوشته شده است بعهده هیئت حاکمه واگذار نموده است باین معنی اگر کسی بکروز غیبت کرد مجازاتش چه چیز است اگر بکروزه از دوسیه برده مجازات آن چه چیز است اینها باید در حال خودش نوشته شود اینها فقط مجازاتها را معین می کنند که اختصار است موقت و دائم و غیره است این درجات مجازاتی است که ممکن است در باره یک نفر مستخدمی که برخلاف وظیفه رفتار کرده است اجرائند

اما حالا فلان تصدیق مطابق با فلان مجازات است آن در جای دیگر باید نوشته شود و مربوط بقانون استخدام نیست تصدیقات عمومی هم قانون مجازات لازم دارد اما اگر بخواهیم تصدیقات عمومی را با تصدیقات اداری بهم مخلوط کنیم آنوقت نمی دانم اسم آن قانون را چه بگذاریم. قانون استخدام بگذاریم؟ قانون مجازات بگذاریم؟ نظام نامه بگذاریم؟ بنده هر چه فکری می کنم نمی دانم چه باید بنویسم .

رئیس آقای حاج میرزا عبدالوهاب اجازه

حاج میرزا عبدالوهاب - بعد از این توضیح آقای حاج شیخ اسدالله عرضی ندارم رئیس پیشنهادات قرائت می شود

شش قره پیشنهاد بمضمون ذیل قرائت شد

پیشنهاد می کنم که در ذیل ماده ۲۴ اضافه شود .

تبصره - مقصر اداری هر گاه تصدیق او موجب خسارت مالی باشد بدولت یا شخص علاوه بر مجازات های فوق باید غرامت خسارت را از عهده برآید

مدرس چون کسر حقوق موافق با مصالح اداری نیست بنده پیشنهاد می نمایم که در ماده بیست و چهارم جمله (کسر حقوق ماهیانه الی آخر) حذف شود و در عوض نوشته شود (عقب انداختن موعد ترفیع رتبه از ششماه الی سه سال)

محمدعلی مافی پیشنهاد می کنم بجای سیم نوشته شود

۳- کسر حقوق از یک روزالی شش ماه

پیشنهاد می کنم در ماده بیست و سوم کلمه (رئیس یا) از بعد متشکی هه حذف شود زیرا که زیادی است و فرض آن ممکن نیست امین الشریعه

ماده بیست و سوم است بنده پیشنهاد می کنم که در پایان ماده بیست و چهارم تبصره ذیل اضافه شود تبصره - درجه و شرح تصدیقات را وزارتخانه های مربوطه مدون و بمجلس مقدس پیشنهاد خواهند کرد

کازرانی این بنده پیشنهاد می کنم که در قانون استخدام تصدیقات اداری ذکر و تشریح شود و ماده علیحده باشد برای اینکه مجازات را همینطور که بهقت درجه تقسیم کرده اند هر مجازاتی در مقابل تصدیقی معین شود تا کلیه مستخدمین قبلا از اصل مجازات مسبق شده تکلیف خود را بدانند رفعت الدوله

رئیس - ماده بیست و پنجم قرائت می شود .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده بیست و پنجم - اجرای مجازات نسبت بقره اول و دوم از ماه فوق بدون مجاکم از وظایف رئیس مافوق و اجرای فقرات (۳) الی (۷) موقوف بحکم مجلس تحقیق و مجاکم که اداری خواهد بود

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده می خواهم از آقای مخبر سوال کنم که مجری مجازات کیست؟ همان محکمه است که رای می دهد یا قوه قضائیه است .

مخبر دوقره اول خیلی واضح است مثلا کسی غیبت کرده است و در دفتر ثبت شده است امروز غایب بوده فردا پس فراهم غایب بود رئیس اداره اول ملامت شفاهی می کند بعد اگر بازم غیبت کرد رئیس اداره باو اخطار کتبی می کند که شما مجددا غیبت کرد این دفعه باو اخطار کتبی می کنید و در دوقره خدمت او ثبت می کنند که فلانی غیبت کرد و باو اخطار شد چون مجددا غیبت کرد لهذا این دفعه اخطار را در دوقره خدمت ثبت کردم این چیزی نیست که رئیس اداره بتواند تقب کند او اگر رئیس اداره این حق را نداشته باشد و از برای یک روز غیبت محاکمه لازم باشد این غیر ممکن است

رئیس - آقای آقا سید فاضل (اجازه)

آقا سید فاضل - بنده گمان می کنم این مجازات دومی هم که اخطار کتبی با ثبت

در دوقره خدمت است بدون مجاکم یک ظلمی است بجهت اینکه درج در دوقره خدمت مستخدم را لکه دار می کند فقط رئیس اداره می تواند اخطار اولی را بنماید و الا قسمت دوم که اخطار باقی در دوقره خدمت باشد باید محاکمه شود

رئیس چون کسی اجازه نخواسته است پیشنهاد قرائت می شود

(پیشنهاد آقای سالار معظم بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می نمایم ماده ۲۴ افزوده شود در مورد تصدیق های مهم که منجر به مجازات های نمره و شش و هفت ماده بیست و چهارم می شود محکوم علیه حق دارد شکایت بمحکمه عالی اداری نماید و محکم محکمه مزبور قاطع است محکمه عالی اداری تشکیل خواهد یافت از سه نفر از اعضاء شورای دولتی دونه از اعضای دیوان تیز و دو نفر از اعضاء دیوان محاسبات تشکیل محکمه عالی اداری دیوان تیز مرجع این نوع نظلمات است

رئیس - ماده بیست و ششم (بشرح ذیل قرائت شد)

ماده ۲۶ - هر گاه در ضمن رسیدگی بتصدیقات اداری یک نفر از مستخدمین مظنون یا کشف شود که مستخدم مزبور مرتکب جنحه یا جنایتی نیز گردیده است موقتاً از خدمت منصرف و بمحاکم عمومی محاکمه شود مجلس تحقیق و مجاکم که اداری باشد بصورتی که در ماده بیست و ششم مقرر شده است متعلق به مجلس تحقیق و مجاکم عمومی خواهد شد .

رئیس - آقای کازرانی (اجازه)

آقا میرزا علی کازرانی - در این قسمت که می گوید از خدمت منصرف خواهد شد تا نتیجه معلوم شود بنده مخالفم زیرا ممکن است مستخدمی بجنحه و جنایتی مظنون بشود و بعد که رجوع بمحاکم عمومی می شود در آنجا محاکمه یکدی دو سال بطول انجامد آنوقت معلوم نیست این بیچاره که مظنون و از خدمت منصرف شده در این مدت چه خواهد کرد و گذران خواهد کرد در صورتی که ممکن است عاقبت هم معلوم شود تصدیق نداشته است علاوه مسئله جنحه و جنایت از مسائل عمومی است و از تباطی با مواراداری ندارد و ذکرش هم در اینجایی مناسب است

رئیس - آقای دست غیب هم مخالفند؟

حاج سید محمد باقر دست غیب - بلی مخالفم .

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد چطور؟

حاج میرزا علی محمد - بنده هم مخالفم .

رئیس - آقای محمدولی میرزا محمد ولی میرزا - بنده هم مخالفم .

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - بنده موافقم

رئیس - بفرمائید

حاج شیخ اسدالله - مظنون به جنحه و جنایت مخصوصاً در موقعی که جنحه و جنایت متهم کشف شود در هر اداره که باشد باید از شغل خودش مستعفی شود و اگر درست توجه فرمائید ملاحظه می فرمائید که در همین جا هم نوشته شده است در ضمن رسیدگی بتصدیقات اداری هر گاه کشف شد که مستخدم مرتکب جنایتی شده باید از شغل خودش مستعفی شود .

آقایان چطور تصدیق می کنند که جنایتی شده بنیاید مستعفی بشود؟ البته باقی بودن او خارج از ترتیب اداری است و باید محاکمه آن به محکمه عمومی برود و ممکن است محکمه پس از رسیدگی و محاکمه او را جنایتی نداند آنوقت جنایتی بوی تلق نکرده و دوم مرتکب بخار خودش معاودت کرد و حقوق خود را هم دریافت می دارد و خیلی معتزلم هست ولی اگر در محکمه رسمی هم مانند محکمه اداری ثابت شد که جنایتی است قطعاً باید از کار منصرف نموده و بیرون برود پس کسی که در محاکمه اداری مظنون یا کشف شود که مستخدم مزبور مرتکب جنحه یا جنایتی نیز گردیده است موقتاً از خدمت منصرف و بمحاکم عمومی محاکمه شود مجلس تحقیق و مجاکم که اداری باشد بصورتی که در ماده بیست و ششم مقرر شده است متعلق به مجلس تحقیق و مجاکم عمومی خواهد شد .

رئیس - آقای کازرانی (اجازه)

آقا میرزا علی کازرانی - در این قسمت که می گوید از خدمت منصرف خواهد شد تا نتیجه معلوم شود بنده مخالفم زیرا ممکن است مستخدمی بجنحه و جنایتی مظنون بشود و بعد که رجوع بمحاکم عمومی می شود در آنجا محاکمه یکدی دو سال بطول انجامد آنوقت معلوم نیست این بیچاره که مظنون و از خدمت منصرف شده در این مدت چه خواهد کرد و گذران خواهد کرد در صورتی که ممکن است عاقبت هم معلوم شود تصدیق نداشته است علاوه مسئله جنحه و جنایت از مسائل عمومی است و از تباطی با مواراداری ندارد و ذکرش هم در اینجایی مناسب است

رئیس - آقای دست غیب هم مخالفند؟

حاج سید محمد باقر دست غیب - بلی مخالفم .

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد چطور؟

حاج میرزا علی محمد - بنده هم مخالفم .

رئیس - آقای محمدولی میرزا محمد ولی میرزا - بنده هم مخالفم .

استیناف مراجعه کند ؟

و در آنجا رسیدگی و محاکمه مجددی می شود حالا من باب مثل عرض می کنم یک نفر از حاکم فارس یا حاکم رشت شکایت می کند که فلان شخص حاکم بمن ظلم کرده و چون شخص متشکیک حاکم و از مستخدمین دولت است مطابق مندرجات این ماده باید از شغل خود منصرف گردیده و در عدلیه محاکمه بشود آنوقت اگر محکوم و معلوم شد که حاکم واقعاً ظلم کرده یا دوست تومان رشوه گرفته یا یک نفری را بدون استنطاق کشته . . .

حاج شیخ اسدالله - با استنطاق هم نمی تواند بکشد

حاج سید محمد باقر - بطوری که آقای حاج شیخ اسدالله فرمودند با استنطاق هم نمی تواند بکشد حالا اگر تصدیق او ثابت شد آیا دوم مرتبه از محکمه رسمی عمومی باید بر گردد به محکمه اداری و دوباره تشکیل جلسه محاکمه اداری بشود برای این که درست معلوم شود و این محکمه بمنزله استیناف است یا خیر ؟

اگر این طور است که در اینجا هیچ اسمی از آن برده نشده .

مخبر - این ماده نهایت وضوح را دارد و خیلی روشن است مثلا کسی آمد و شکایت کرد که فلان رئیس اداره یا دائره یک ورقه از دوسیه مرا سرقت کرده یا پولی از طرف من گرفته و دوسیه را از بین برده است .

از همان وقت می گویند این شخص مظنون است و باید بدلیه برود و محاکمه شود اگر در آنجا تیرته شده باز می رود با اداره و آن محاکمه اداری شروع میشود ولی اگر محکوم شد و خواست استیناف بدهد از او استولی در محکمه استیناف عدلیه استیناف خواهد داد و مربوط به محکمه اداری نیست و همینطور تیززم می تواند بدهد و در صورتی که از محکمه عالی تیز که مافوق تمام محاکم است محکوم شد آن وقت مطلقاً باید منصرف شود .

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد .

(اجازه)

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی در ماده دوم شرایط ضوابط محکومیت به جنایت و جنحه که متضمن محرومیت از استخدام دولتی باشد معین می نماید پس بموجب ماده دوم بطور مطلق جنحه را نمیتوان موجب محرومیت دانست . جنایت را میتوان مطلقاً مسبب محرومیت مستخدم دانست ولی چنانچه در ماده دوم نوشته شده هر جنحه موجب و مستلزم محرومیت از کار اداری نیست مگر این کدر این ماده مظنون را از باقی بودن در اداره محروم نموده اند در صورتی که بعقیده

بنده او نباید منصرف شود البته فرق است میان کسی که جنحه و خیانتش کشف شده باشد تا کسی که مظنون بجنحه باشد انفعال شخص جانی را بنده معتقدم و هیچ نمی دانم ولی شخص مظنون را معتقدم از شغل خود منصرف نشود برای این که در مملکت ما با این وضع حاضر که سرایا محیط تهمت و افزاه است معتقد نیستم کسی بصرف مظنونیت از شغل خود منصرف شود و دیگر این که در ماده بعد نوشته اند کسی که بواسطه جنحه و خیانت بدلیه جلب شود موقتاً از شغل خود منصرف است ولی بعداگر تیرته حاصل گردمی تواند دوباره برگردد بکار خود نماید و این عبارت بعقیده بنده معنی ندارد زیرا وقتی جنحه و خیانت کسی کشف شد آنوقت دیگر تیرته معنی ندارد

مخبر - کشف در اداره کافی نیست اگر در عدلیه تصدیق او معلوم شد محکوم است علاوه مظنون هم منصرف شود ضروری برای او ندارد اگر تیرته شد که حقوق خود را دریافت می دارد

رئیس - مذاکرات کفافی است

(گفتند کافی است)

رئیس - ماده بیست و هفتم قرائت می شود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

هر گاه مستخدمی با اتهام جنحه و یا خیانتی بدلیه جلب شود از موقع اقامه دعوی در محکمه بر او موقتاً از شغل خود منصرف و در صورتیکه برائت ذمه مشارایه حاصل شود ایام انفصال جزو مدت خدمت رسمی محسوب و حقوق آن مدت را دریافت خواهد نمود

رئیس مخالفی ندارد

آقا میرزا علی کازرانی - بنده مخالفم

رئیس - بفرمائید

آقا میرزا علی کازرانی - یک قسمت از هرایش بنده همان مطالبی است که در مواد ۲۵ و ۲۶ مذاکره شد و در این جا هم معتم می شاریم برای تکمیل هرایش خود عرض کنم

اولا - ترتیب اثر دادن بر تهمت خلاف نظامات تمام دنیا است فرضاً هم ترتیب اثر دادیم چطور می شود یک کسی را منصرف کنیم و منتظر شویم ببینیم نتیجه محاکمه او چه می شود آیا مبری می شود یا خیر محکوم می گیرد بنابراین بنده با این انفصال مخالفم علاوه ما باید دقت کنیم و به بینم این دسته بندیها و سانسسی که برای انداختن یک نفر و روی کار آوردن یک عضو دیگر می شود چه تأثیرات سوئی دارد مخصوصاً

اگر اعمال نفودی که از رؤسای ما فوق نسبت بر توسین می شود در نظر بگیریم و از آن طرف نظرم را قدری از مرکز دورتر کرده و عطف توجهی بولایات بنمائیم تصدیق خواهیم نمود که این ماده عملی نیست

مثلا از کرمان تلگرافی بر گز شد که پیشکار مالیه آنجا یک سرقتی بایک خیانتی کرده پس از آنکه این تلگراف مخابره شد و قبل از اینکه رسیدگی او بشود او از شغل خود منصرف شده و احضار بر مرکز می شود آنوقت یک مأمور دیگری که رفت طرفداران مأمور اولی بر می دارند یک همچه تلگرافی برای مأمور ثانی بر گز مخابره می کنند آنوقت او هم باید از شغل منصرف منتظر شود ببیند آن هیئتی که برای محاکمه بر گزیده شده اند چه وقت اسناد لازمه را از محل مأموریت تحصیل کرده و بدست می آورند و کی اورا محاکمه می کنند و این مسئله شاید مدتها بطول انجامد علاوه اینکه نوشته شده هر گاه مستخدمین با اتهام جنحه یا جنایت بدلیه جلب شود باید از شغل خود منصرف گردد بنده عرض می کنم این جنحه و جنایت دامنه اش خیلی وسیع است

مثلا ممکن است یک سوء ادبی نسبت بشخص محترمی بشود و بگویند جنایت کرد یا فرضاً بنده دستی بصورت کسی میزنم این را جنحه فرض می کنند پس اگر این ماده باقی بماند باید قید شود که غرض از جنحه و جنایت چیست ؟

مخبر - مسئله اتهام که فرمودید مربوط باین موضوع نیست بلکه یک موضوع علیحده خارجی است - مقصود از اتهام این نیست که یک مستخدم را در اداره متهم کنند و بدلیه جلب کنند بلکه مقصود این است که مثلا امروز اقامه دعوی بر سر فلان مستخدم می شود فرضاً آدم کشته یا دزدی کرده است البته باید جلب بدلیه و محاکمه استنطاق بشود آنوقت از موقعی که اقامه دعوی جزائی بر این شخص میشود ناچار باید تمام اوقات در محاکمه حاضر و مشغول برایش باقی نمی ماند و کارش بالاخره از دوسیه خارج نیست یا محکوم علیه میشود یا محکوم او اگر محکوم شد که باید محکم محکومیت در بارش اجرا بشود و اگر هم محکوم نشد که دیگر اشکالی ندارد و بکار خود باقی خواهد بود و حقوق خود را هم دریافت می نماید

رئیس - مذاکرات کافی است

(جمعی گفتند کافی است)

رئیس - پیشنهاد آقای شیخ الاسلام قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

مقام محترم مجلس شورای ملی

دامت شو کنه

بنده پیشنهاد می کنم که در ماده (۲۷) این جمله از موقع اقامه دعوا و جمله در محکمه نوشته شود و مظنون شدن و جمله بر او هم حذف شود

رئیس - اگر آقایان موافق باشند چند دقیقه تعطیل میشود

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و بعد از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس - ماده بیست و هشتم (فصل چهارم) (بشرح ذیل خوانده شد)

عموم مستخدمین دولتی حق دارند با رعایت یکی از دو شرط ذیل تقاعد خود را از خدمت بخواهند

۱ - پس از سی سال خدمت

۲ - در صورت داشتن ۶۰ سال عمر و لااقل ده سال خدمت . هر گاه تعطیل قوا وضعف و پیری مانع بشود اگر مایل باشند تا سن هفتاد نیز می توانند مشغول خدمت باشند ولی در ۷۰ سالگی باید حتماً از خدمت معاف شوند

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - این که در این ماده نوشته شده در سن هفتاد سالگی تقاعد حتمی است آیا شامل وزراء هم میشود یا نه ؟

مخبر - این قانون سرا برای مستخدمین نوشته شده است نه برای وزراء

رئیس - آقای کازرانی (اجازه)

آقای میرزا علی کازرانی - انشاء الله هر وقت تمام ماشین های قانون در مملکت ما ب حرکت افتاد وحس کردیم کارها از روی لیاقت و استحقاق باشخاص داده میشود آنوقت البته در آن موقع لازم است برای اشخاصی که بواسطه پیری و سالخوردگی و قدمت در خدمت از با افتاده و ناتوان شده اند قانون وضع کنیم و حقوق و منظور داریم لکن این قانون آنها مقرر و منظور داریم لکن این قانون برای این است که فردا بعضی اینک از مجلس گذشت بوقوع اجرا گذارده شود . آنوقت آیا تصور می فرمائید اشخاصی که استحقاق دارند حقوق تقاعدی خواهند گرفت؟ بنده که گمان نمی کنم عقیده دارم امروزه این ماده حذف شود تا انشاء الله اگر بهمان روزی که عرض کردم رسیدیم در نتیجه اطمینان حاصل کردیم همه چیز از روی استحقاق و لیاقت باشخاص داده می شود آنروز ممکن است همچو ماده وضع کرد والا حالا این ماده قانون فقط باین نفع یک عده معدودی تمام خواهد شد و آنها که استحقاق دارند و محروم می مانند و همانکسی که در اثر سانس و تشبیهات داخل کار شده اند از این ماده هم

باز آنها استفاده خواهند نمود
 رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)
 سلیمان میرزا - بنده گمان نمی کردم این ماده قابل هیچگونه مخالفتی باشد زیرا با شرایطی که در این قانون هست مستخدمین با کمال دقت انتخاب میشوند و بعد از خدمت سال عمر که با کمال صحت و درستی فلان مستخدم بیچاره بدولت خدمت کرده آیا پادشاه این است که از گرسنگی بمیرد؟ آیا یک شخصی که سالها عمر عزیز خود را در نهایت صحت صرف خدمت دولت می کند آنوقت بعد از این مدت مدید وقتی بپوشد مزد و پاداش او این خواهد بود که برود گدائی کند؟ چطور آنوقت که جوان بود و همه نوع دولت از او استفاده می کرد حالا که قوایش در نتیجه ضعف و پیری تحلیل رفته باید برود گدائی کند؟ آقا اشکال فرمودند که شاید من غیر حق چیزی بکسی داده شود یا تبیض و اعمال غرض در بین اعضاء بشود خوب اگر بخوام این گونه فرضها را بکنیم اصلاً نباید هیچ قانونی را وضع کنیم زیرا ممکن است تصور شود هر قانون پس از آنکه بعمل عمل آمد سوء استعمال شود بملاوه تأسیس مجلس شورای ملی اساساً برای همین است که در اجرای قانون نظارت داشته باشد که اگر احیاناً يك وزير خواست از يك ماده قانونی سوء استفاده کند از او سؤال و استباض کند تا آن قانون در موقع خود استعمال شود این دلیل نمیشود که ما باین واسطه يك عدل را از حقوق حقه خود محروم نمائیم
 رئیس - آقای رکن الملک (اجازه)
 رکن الملک - در اینجا نوشته شده پس از سی سال خدمت سؤال می کنم که این سی سال خدمت شامل قبل از مشروطیت هم می شود یا خیر از بعد از مشروطیت حساب می شود؟
 مخبر - حقوق تقاعدی برای مستخدمین فعلی هم منظور و البته کسانی هم که سابق داخل در خدمت رسمی بوده اند برای آنها هم منظور میشود زیرا آنها تقصیری نکرده اند که دولت سابقاً مشروطه نبوده
 رئیس - آقای سلطان العلماء (اجازه)
 سلطان العلماء - البته آقایان تصدیق خواهند فرمود که حقوق باید در مقابل خدمت داده شود و مکرر هم حضرت والا این مطلب را در مجلس می فرمودند که حقوق در مقابل خدمت است قدمام گفته اند مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد البته این مطالبی که می فرمایند از نقطه نظر اخلاقی خیلی خوب است برای این که یکمده مردم آمده اند و خدمت کرده اند و عمرشان را صرف خدمت بدولت نموده اند حالا که بیبری رسیده اند باید يك حقوقی بگیرند بنده هم

اخلاق مخالف با این عقیده نیستم اما عرض می کنم که اگر آقای مخبر یا حامی مخبر بخواهند يك دعوتی از مردم بکنند یا يك بنای عمومی بسازند اول باید لوازم آنها را تهیه بکنند زیرا اگر لوازم را فراهم ننمودند فردا که مهمانها وارد می شوند اسباب خجلت میزبان خواهد شد و عقلاً او را ملاحت می کنند این ترتیب البته اخلاقاً خیلی خوب است حقوق تقاعدی منحصر باین نیست که می فرمایند کسی عمر خود را صرف خدمت بدولت نمود و پیر شده است حالا که هفتاد سال از عمر او گذشته برود گدائی کند بنده عرض می کنم اگر ممکن باشد البته بنام فقرا و اشخاصی که از کار افتاده اند باید رعایت شود ولی برای این مملکت ممکن نیست بملاوه این ماده شامل حال فقیر و غنی هر دو است
 زیرا مستخدم اهم است از دارا و نادر چون عده هستند که هشت سال ، ده سال ، پانزده سال خدمت کرده اند و ثروتهای زیاد اندوخته کرده اند و هم حقوق زیاد گرفته و کار کرده اند و هم ملت از خود آنها ناراضی بوده حالا هم که انفضال از خدمت پیدا کرده اند و ملت از دست آنها آسوده شده است دیگر باید يك حقوق تقاعدی هم بانهها بدهد اینها برای يك مملکتی است که متقن و دارا و صاحب ثروت باشد خوب است شما دقت بفرمائید که این پول را باید از کس بگیرند و بچه اشخاصی بدهند؟ آن کاسب یا آن دهقان بیچاره که این پول را با هزاران مشقت و زحمت تدارک می کند بکی بدهد و در کجا ثبت کند؟ همکار محترم بنده هم عبارتی گفتند ولی با نزاکت نفرمودند معین است در این مملکت شغل و کار را باندازه حاجت نمی دهند اگر باندازه حاجت بود بنده هم شاید موافقت می کردم این ادارات دولت است که در مرکز می بینیم در ولایات هم عده از ما مورین زائد از حاجت است نه بقدر حاجت اگر مخالفی در این باب پیدا کردم شرح می دهم که علاوه بر حاجت هستند و اگر نصف آنها در ادارات باشند کار اداره را انجام میدهند معذالک با این میزهای زیاد ادارات بر عرض و طول چطور میشود بمتقاعدین و منتظرین خدمت و اشخاصی که بموجب مواد گذشته بدون تقصیر از خدمت منقول می شوند حقوق داد در صورتی که این را هم تصدیق می فرمائید که هر وزیر که روی کار آمد ممکن است یکدسته را منقول و یکدسته را متصل نماید آن منصلین که حقوق خواهند گرفت ، متصلین هم که حقوق نفع میگیرند ، منتظرین خدمت هم که حقوق دارند متقاعدین هم که عایدات آن منحصر است به مالیات زراعت یا بعضی مالیاتهای دیگر چطور می تواند عهده دار این مخارج بشود؟

در صورتیکه هر مالیات دیگری هم با رعایت فقر و فلاکت اهالی وضع شود چه مستقیم و چه غیر مستقیم بجامه وارد میاید مثلا هم همین گمرک را مثل میزنیم
 اگر در گمرک مالیاتی علاوه شود به قیمت جنس علاوه خواهد شد مسلم است این ضرر بجامه وارد می آید هم فقیر باید بدهد هم غنی و هم چنین مالیات مستقلات ضرر آن هم بجامه می خورد برای اینکه وقتی به مستقلات مالیات بستند از باب ملك هم گریه را زیاد میکنند
 پس این مواد برای ممالك متحدنی خوب است که صد هشتاد و پنج مخارج آن از هواید وزارت فوائد عامه یعنی از منافع و اهسازی و کارخانجات و مواد مستخرج از معادن اداره میشود و بیشتر از صدی بیست و پنج آن را جامعه نمی دهد آیا در مملکت ما که تمام مصارف مملکتی را کاسب و زارع و غیره می دهد چطور می توانیم منتظرین خدمت را حقوق بدهیم مستخدمین زیاد را حقوق بدهیم؟
 متقاعدین را بدون شرط حقوق بدهیم؟
 بلی اگر منصلین از خدمت دارای يك صفاتی باشند یعنی فقیر باشند و مؤنه نداشته باشند بنده تصویب میکنم والا بنده بنام حفظ حقوق موکلین خود بمحقوق متقاعدین بدون شرط مخالفت می نمایم
 رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
 آقا سید یعقوب - عرض بنده این است که این شرح مفصل آقا ربطنی باین هم ندارد و راجع بماده بیست و نهم است
 محمد ها - میرزا - اگر مر بوط باین ماده نبود آقای رئیس می فرمودند
 رئیس - این ماده هم راجع بخواستن حقوق است
 آقا سید یعقوب - اگر مر بوط باین ماده است جواب او حاضر است اجازه میفرمائید بنده عرض کنم
 رئیس - بفرمائید
 آقا سید یعقوب - مکرر در این مجلس صحبت شد قانونی که گذارده می شود نظر با افراد نادره نیست بلکه نسبت به عموم و اکثر است اولاً این قانون راجع بوزراء نیست این قانون راجع باشخاص است که در ادارات مستخدم هستند ما چطور می توانیم نسبت به کسیکه منشی به هفتاد سال رسیده و خدمت کرد حقوق ندهم
 در هر ع مطهر هم اگر کسی غلام داشته باشد هفت سال یا بقولی چهارده سال خدمت کرده باشد آزاد میشود
 آقا میرزا علی کازرانی - اینطور نیست باختیار صاحب او است مجبور نیست آقا سید یعقوب - پس شما اطلاع

ندارید بنده فردا برای شما کتاب فقه را می آوریم شما نه فقیه هستید و نه از فقه اطلاع دارید اما آمدم نسبت به مستخدمین کسیکه سی سال خدمت کرده باشد و سرمایه زندگی او فقط خدمتش باشد آیا باید در موقع پیری برای او حقوق تقاعد همش امور ما شبیه خود را چطور اداره کند؟
 فرضاً از پدرش برای او يك ارثی رسیده باشد چه ربطی بدولت دارد ، بعقیده بنده باید به مستخدمین پاداش داده شود و رعایت ایام پیری آنها بشود تا بتوانند از روی حقیقت خدمت کنند
 رئیس - آقای سلیمان میرزا موافقتی
 سلیمان میرزا - بلی موافقت
 رئیس - آقای نصرت الدوله
 نصرت الدوله - بنده هم موافقت
 رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله شما هم موافقت
 حاج شیخ اسدالله - بلی
 رئیس - آقای آقا سید فاضل چطور
 آقا سید فاضل - بنده مخالفم
 رئیس - بفرمائید
 آقا سید فاضل - بنده تناسبی در این دو شرط نمی بینم برای اینکه در این ماده می نویسد عموم مستخدمین دولتی حق دارند با رعایت یکی از دو شرط ذیل تقاعد خود را از خدمت بخواهند
 اول - پس از سی سال خدمت
 دوم - در صورت داشتن شصت سال عمر و لااقل ده سال خدمت
 بنده هیچ فلسفه برای اشخاص شصت ساله که ده سال خدمت کنند نمی دانم و پیشنهاد میکنم حد افشش پانزده یا بیست سال باشد
 رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)
 سلیمان میرزا - اولاً در مسئله حقوق تقاعدی بنده عقیده ام ما فوق اینها است بنده می گویم تمام اشخاص حتی کارگرا و غیره باید در مواقع پیری از صندوق عمومی پول بگیرند فرق نمیکند چه اجزاء ادارات باشند چه کارگر همه برای جامعه خدمت می کنند
 وقتی پیر شدند باید مخارج آنها را ملت بدهد و چون این اولین قدمی است که برای آن مقصود باطنی بنده برداشته می شود
 یعنی برای یکقسمت از مردم حقوق تقاعدی معین می کنیم نهایت موافقت را دارم و همینطور امیدوارم قانون روابط ما بین مالك و رعیت و کارگر با کافر ما هم

از این مجلس بگذرد و عامه ملت از او استفاده کنند و راحت باشند یعنی تا کارگر بنده دارد وقوی است کار فرما از او استفاده نکند و همین که ضعیف شود دید از دست او کار بر نمی آید خدای نخواستہ مثل عوامل کاری او را بخورند یادور بپانندازید چه این طور نیست باید جامعه قدر خدمات آنها را بشناسد و وقتیکه پیر شدند و کار از دست آنها بر نمی آید يك حقوقی بدهد که از گرسنگی نمی روند
 حالا آمدم در مسئله مستخدمین شما که تکلیف می فرمائید خلاف نکنند و دزدی نکنند خیانت نکنند و از راههای غیر مشروع استفاده نکنند یا مجازانهائی که در ماده قبل برای آنها تهیه فرموده اید با همه این صححو درستی و اخلاق سی سال در این مملکت زحمت بکشند خدمت بکنند آنوقت آیا حق باو نمی دهید که بگوید می خواهم راحت بکنم
 هم چنین کسی که شصت سال داشته باشد اگر ده سال خدمت کرده باشد این حق را دارد بملاوه ماده بعد را ملاحظه بفرمائید که نسبت به مدت خدمت حقوق تقاعد داده می شود
 یعنی يك خصم حد متوسط حقوق سه ساله اخیر ضرب در مدت خدمت اومی شود
 یعنی اگر کسی ده سال خدمت کرده باشد و حقوق تقاعد نخواهد باندازه ده سال حقوق تقاعد باو می دهند اگر سی سال خدمت کرده باشد باندازه سی سال پس بهر باندازه که برای جامعه زحمت کشیده باشند بهمان نسبت حقوق تقاعد بآنها داده می شود اگر حقوق تقاعد برای کارکنان معین نشود هیچوقت منتظر نباشید که مردم در فکر درستی صحت بیفتند
 وقتی آتیه و زمان پیری و شکستگی يك مستخدمی را تأمین نکنید او دیگر بچه دلخوشی باید برای شما کار کند همیشه خواهد گفت تا قوت جوانی من هست مرا بکار و می دارند و همین که پیر شدم مرا از بکار باز می دارید
 پس باید از حالا در فکر پیری باشیم
 بنابر این از راه غیر مشروع هم استفاده می کنند که زمان پیری خود را تأمین کنند این است که این ماده برای حق شناسی از خدمات مستخدمین پیشنهاد شده است و گمان می کنم این یگانگانه ماده است که مستخدمین را ترغیب بدرستی و راستی می کند و همین می کند که اگر درستی بخرج دادند و با صحت و عمر خدمت کردند پاداش آنها خواهد رسید و در پیری پریشان نخواهند ماند این که می فرمایند باید حمایت از ضعفا و فقرا بشود
 جواب عرض می کنم اینجا گفتگوی کار

کردن است هر کس کار کرد نالانقدر اجرت می گردد
 اینجا دیگر راجع بقراء و ضعفا نیست ما کار می خواهیم در مورد دیگر هم حتی الامکان سعی کرده ایم که نفعهای شخصی توصیه ها بستگی ها، از میان برود و امتیاز فصلی منافع اعتبار باشد و برای دولت هیچ فرق ندارد مستخدمینش هر کس بخواند باشد و فقط از برای پاس خدمات باید بآنها حقوق داده شود
 مدرس - بنده هم اجازه خواسته بودم
 رئیس - مخالفید؟
 مدرس - خیر موافقم
 رئیس - آقای دست فقیب چطور؟
 حاج سید محمد باقر دست فقیب - خیر مخالفم
 حاج سید محمد باقر - بنده این طور گمان می کنم که فرمایشات شاهزاده سلیمان میرزا را از موضوع خارج بود
 موضوع مذاکره کارگر و مالک نیست موضوع مستخدم دولت است
 البته کاملاً فرمایش ایشان را تصدیق دارم که باید کارگر و رهبا را اعانت کرد و باید يك مجامعی تهیه کرد که فقراء از گرسنگی نمی روند البته این مسئله بجای خودش خیلی خوب و بآن دلیل و منطقی که فرمودند صحیح است
 ولی فرمایش آقای سلطان العلماء بود که این مستخدمین که کار کرده اند و دولت باید بآنها حقوق تقاعد بدهد و قسم اند ، یکی آنستکه هفتاد سال از عمرش گذشته و خدمت هم کرده ولی چیزی ندارد البته دولت باید بآنها پاداش بدهد و یکی هم خدمت کرده و پس از مدت خدمت داراست اگر بآنها حقوق بدهد بفقراء عظم شده است
 بنده عرض می کنم پاداش منحصر بعقوق دادن نیست چیزهای دیگری هم هست که می شود او مثلا کسیکه هفتاد سال خدمت کرده برای اینکه دولت از او قدر دانی کند ممکن است يك امتیازی باو بدهند و يك تشریفات و ترغیباتی از او بکنند
 ولی کسیکه چیزی ندارد درباره او دولت حقوقی معین کند خیلی خوب است ولی راجع بقسمت اول می تواند بگوید آقای فلان آقای اشرف ، آقای پولدار ، آقای ملاک شما می توانید از این حق گذشت کنید و باو چیزی ندهد
 رئیس - مذاکرات کافی است دو فقره پیشنهاد رسیده است قرائت می شود
 (بمضمون ذیل قرائت شد)
 بنده پیشنهاد می کنم در شرط دوم ماده (۲۸) در اشخاص شصت سال حداقل خدمت بیست سال با پانزده سال قید

سید فاضل کاشانی
 پیشنهاد می نمایم در ماده ۲۸ بجای (اگر مایل باشند) این طور نوشته شود (مایل باشند)
 سیدالمصطفی
 رئیس - بقیه مذاکرات می ماند برای جلسه بعد
 جلسه آتیه روز سه شنبه دستور هم موضوع شهریه ها خواهد بود آقای مستخدم التجار
 (اجازه)
 مستخدم التجار - بنده راجع بصکلیه اوضاع مملکت خاصه راجع بوضع آذربایجان عریضی داشتم می خواستم بعضی برسانم ولی چون وقت گذشته اگر اجازه می دهید در جلسه آتیه عرض کنم
 رئیس - مخالفی نیست
 د اظهاری نشد
 در جلسه آتیه اظهار بفرمائید
 مجلس يك ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد
 موتون الملک

جلسه یکصد و هجدهم
 صورت مشروح مجلس سوم سه شنبه دوم اسد ۱۳۳۱ مطابق ۲۹ ذی قعدة الحرام ۱۳۴۰
 مجلس تقریباً یکساعت قبل از ظهر بریاست آقای موتون الملک تشکیل گردید صورت مجلس سوم ۲۹ شنبه ۲۹ سرطان را آقای امیر ناصر قرائت نمودند رئیس - گویا ملاحظاتی نسبت بصورت جلسه نباشد
 گفته شد خیر
 رئیس - صورت جلسه تصویب شد - خاطر آقایان مسبوق است که سابق از طرف دولت کتابچه راجع به مستمریات بمجلس فرستاده شده بود آن کتابچه بکسیون بودجه مراجعه شد و کسیون هم در جلسات حدیده مذاکرات زیادی در آن مخصوص نموده اخیراً از طرف دولت لایحه جدید رسیده و تقاضا شده است که شصت و هشتاد هزار تومان بدولت اعتبار داده شود که مستمریات امساله را موافق سنوات ماضیه بپردازند این لایحه مراجعه می شود بکسیون بودجه رایبورتی که در کسیون داده می شود در جلسات بعد مطرح مذاکره خواهد شد با انفع مسئله شهریه ها جزو دستورات يك مسئله دیگر هم که باید بعرض آقایان برسانم مسئله اهالی ارومیه است چند روز قبل کسیون برای این امر انتخاب شد و رایبورتها از عملیات خود نوشته است که بعرض آقایان برسد و اگر مذاکراتی لازم باشد موکول بجلسه بعد می شود
 آقای مستشار السلطنه مخبر کسیون